



انسان چگونه خودش را به اخلاق فاضله متخلق کند و از رذایل اخلاقی دوری نماید؟ چگونه این معنا را در مرحله عمل پیاده کند؟ علمای اخلاق می‌گویند: ابتدا انسان باید حالت موجود نفس را حفظ کند و سپس به تهذیب رذایل و جبران ضررهای گذشته بپردازد. طبق روال طبیعی حتی در جسم هم، ابتدا صحت موجود حفظ می‌شود و سپس معالجه امراض است؛ نه اینکه صحت، فراموش شود؛ به‌طوری‌که انسان تنزل نماید.

این بحث، با بحث ملکات منافاتی ندارد؛ انسان اگر یک رذیله اخلاقی در رابطه با یکی از قوا را در طول زمان، روی روح خود نقش کرده باشد، تا آن نقش زشت را بر طرف نکند، نمی‌تواند نقش زیبایی را روی آن بکشد. این نکته در رابطه با مسائل جزئی اخلاقی است و نباید اینها را با هم اشتباه کرد.

برای مثال، کسی که دارای حالت جُبِن و ترس است، یا کسی که دارای حالت امساک است -که در مقابل جود قرار دارد- او باید اول این حالت امساک را از خود دور کند و بعد فضیلت جود را برای خودش ایجاد نماید؛ یعنی ملکه بخشش را به‌جای ملکه رذیله خشت، بر روی خودش نقش کند. این مطلب نسبت به مسائل جزئی در رابطه با ملکات اخلاقی است.

در اینجا بحث اصلی، یک بحث کلی است. انسان مجموعاً یک حالت روحی دارد؛ لذا باید آن حالت را حفظ کند تا عقب‌گرد نداشته باشد. بعد هم در صدد این باشد که جلو برود؛ مثلاً کسی که از نظر ملکات حسنه، چند صفت خوب دارد و در کنارش رذائلی هم دارد، وقتی می‌خواهد خودش را از این رذائل تطهیر و پاک کند، نباید به خیال پاک‌سازی رذائل، آن ملکات حسنه را به دست فراموشی بسپارد. نباید به سراغ پاک‌سازی در رابطه با این رذائل بیاید و قهراً هم از آن طرف، فضایل از دستش گرفته شود؛ این صحیح نیست. انسان باید آن فضایل را حفظ کند و بعد در صدد محور رذائل برآید.

اینکه علمای اخلاق می‌گویند: «صحت موجود» باید حفظ شود، به‌همین جهت است؛ البته صحت موجود باید حفظ شود، نه زوالت موجود و در مرحله بعد، انسان در صدد برطرف کردن رذائل باشد. به‌عبارت دیگر، هنگامی که رذیله‌ها را برطرف می‌کنند، از فضایل موجود در خود غفلت نکنند؛ بلکه این فضایل را نگه دارد.

انسان در هر مرتبه‌ای که قرار دارد، اعتدال موجودش را حفظ کند و اگر انسان بخواهد، نسبت به مجموعه حالات نفسانی‌اش اعتدال را حفظ کند، یک سری دستورات کلی وجود دارد که اولین دستور آن است که مجالست، مصاحبت، رفاقت و معاشرتش را با نیکان قرار دهد. با افرادی که دارای فضایل اخلاقی هستند، معاشرت کند و از کسانی که دارای ملکات زشت و رذایل اخلاقی هستند، پرهیز نماید. هنگام مصاحبت با نیکان، در روش و سلوک آنها دقت داشته باشد که سلوک و روش آنها با خالق چگونه است؟ روش و سلوک آنها با مخلوق چگونه است؟

منبع: کتاب اخلاق ربانی

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران کشور

ناهنجاری‌های جامعه نتیجه غفلت برخی مسئولان و دستگاه‌های فرهنگی است

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران با بیان اینکه غفلت مسئولان و دستگاه‌های فرهنگی سبب شد که امروز جامعه به این سمت و سو کشیده شود، ادامه داد: امروز به چشم می‌بینیم که این غفلت سبب شد، جوانان و نوجوانانی که در دوره جمهوری اسلامی تربیت و رشد پیدا کرده‌اند،

باعث ایجاد ناهنجاری در جامعه شوند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آقای امیرعلی عموزاده، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، با حضور در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، با حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی فاضل مدیر این نهاد حوزوی و گفت‌وگو کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل در این دیدار گفت: حوزه‌های علمیه خواهران، جهت انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، در راستای اجرای برنامه‌های فرهنگی آمادگی دارد و امیدواریم، بتوانیم به هدف مشترک هر دو نهاد که تعالی فرهنگ اسلامی است، دست یابیم.

وی با بیان اینکه حوزه‌های علمیه خواهران، امروز در مسیری حرکت می‌کند که بزرگان پیش‌تر ریل‌گذاری آن را انجام داده‌اند، گفت: خوب است هندسه‌ای برای همکاری بین دو نهاد ترسیم شود تا بتوانیم، در مسیر نیل به اهداف حرکت کنیم؛ حرکتی که شایسته‌قم باشد.

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران، با بیان اینکه غفلت مسئولان و دستگاه‌های فرهنگی سبب شد که امروز جامعه به این سمت و سو کشیده شود، ادامه داد: امروز به چشم می‌بینیم که این غفلت سبب شد، جوانان و نوجوانانی که در دوره جمهوری اساهری تربیت و رشد پیدا کرده‌اند، باعث ایجاد ناهنجاری در جامعه شوند.

حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل خاطرنشان کرد: امروز هم با وجود هجمه همه‌جانبه دشمن، می‌شود کار فرهنگی کرد و تأثیرگذار بود و طبیعت کار فرهنگی این است که برای به بار نشستن، کمی زمان‌بر است و باید بدانیم که امروز فرهنگ اسلامی در دنیا بسیار ترویج یافته است.

با توجه و دقت در پرسش بالا به دست می‌آید که این سؤال حاصل و نتیجه دو ابهام است:

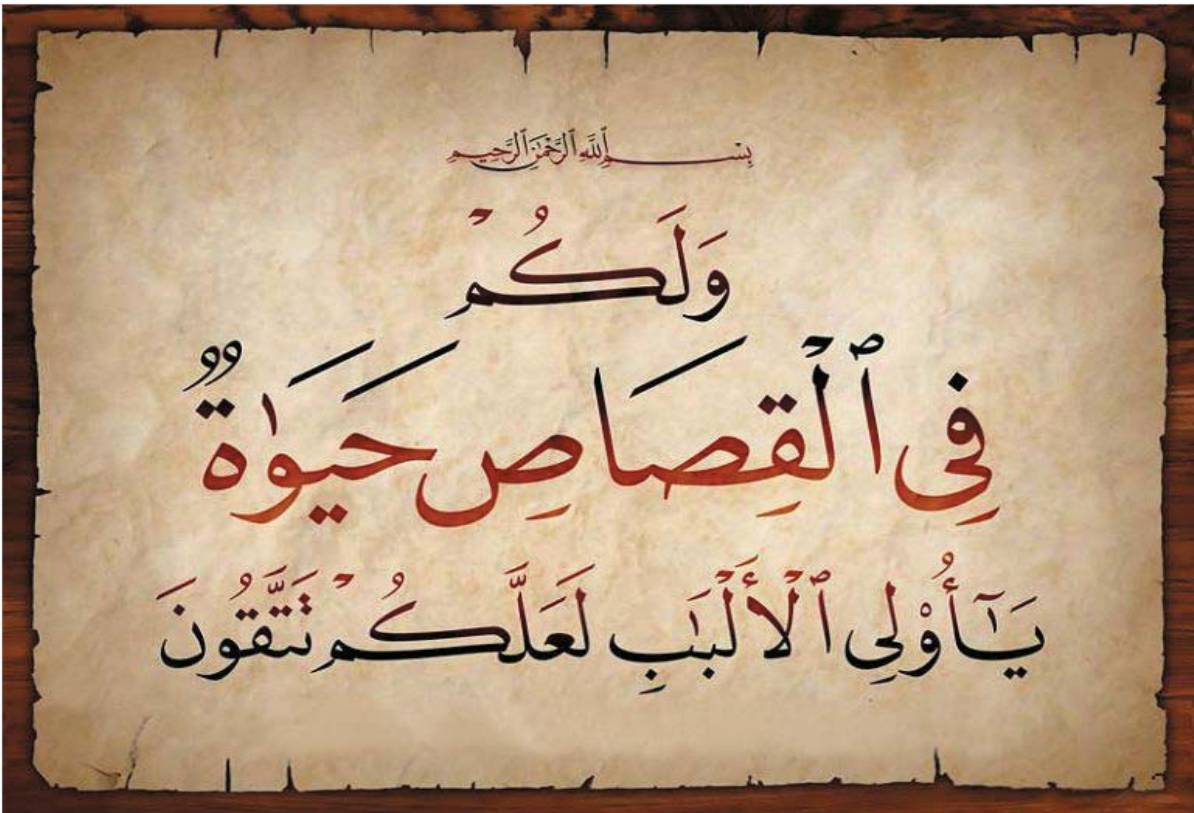
۱. آیا خداوند فقط ارحم الراحمین است؟

۲. آیا قصاص یا حدود و ... با «ارحم الراحمین» بودن خداوند مخالف است؟

با توجه به آیات و روایات درمی‌یابیم که خداوند جامع صفات نیک است؛ به‌عبارت دیگر، دارای تمام صفات ثبوتیه و سلبيه است؛ یعنی همان‌طور که دارای صفت رحمانیت و رحیمیت است، دارای صفت غضب و سخط نیز می‌باشد؛ اگر به بهشت مژده داده، از جهنم نیز ترسانده است؛^۱ اگر به مغفرت امید داده، به عذاب نیز بیم داده است؛ از این رو می‌بینیم که پیامبرش را هم بشیر و هم نذیر معرفی می‌نماید.^۲ خداوند هم غافرالذنوب است و هم شدیدالعقاب. در روایات و ادعیه‌ای که از طرف امامان معصوم علیهم‌السلام به ما رسیده، می‌بینیم که از یک طرف خداوند،^۳ به «أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ» توصیف شده و از طرف دیگر به أَشَدُّ الْمُعَاقِبِینَ^۴

• **خوف ورجاء (بیم و امید)**

معمولاً قرآن در کنار «ووعده‌ها» به «وعیدها» و در کنار «بشارت‌ها» به «انذارها» می‌پردازد تا دو عامل بیم و امید را که انگیزه حرکت تکاملی است، تقویت کند؛ چراکه انسان به مقتضای حب ذات، تحت تأثیر غریزه «جلب منفعت» و «دفع ضرر» است.^۵ به‌عبارت دیگر، در قرآن غالباً هر جا سخن از تهدید و عذاب به میان آمده، به دنبال آن از رحمت و مغفرت سخن گفته است؛ شاید سرّش این باشد که چون یکی از فضایل بسیار نیک انسانی این است که همیشه بین خوف و رجاء باشد و برای اعتدال حالش نه به آیات رحمت مغرور گردد و نه از رحمت الهی مأیوس گردد؛ چون که فرموده: ﴿لَا يَأْتِيَنَّ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾^۶، بایستی



چرا خداوند در قرآن کریم در کنار رحمتش و معرفی خود به‌عنوان «ارحم الراحمین» سفارش به مجازات تا سر حد اعدام

(قصاص، قطع دست و ...) نموده است؟

همیشه بین بیم و امید باشد. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام است که باید خوف و رجا مثل دو طرف ترازو به‌قدر هم باشند که از هیچ طرف، زیادتی نکند. بیم و امید دو اصل ایمانی و اخلاقی است و بدون تحقق این دو اصل، ایمان کامل نمی‌گردد.^۷

با توجه به این توضیحات درمی‌یابیم که خداوند فقط ارحم الراحمین نیست تا اشکال شود که سفارش به مجازات تا سر حد اعدام (قصاص، قطع دست و یا خشونت زیاد) با صفت «ارحم الراحمین» منافات دارد؛ اما بدون در نظر گرفتن اوصاف دیگر الهی آیا قصاص یا حدود و .. با «ارحم الراحمین» بودن خداوند مخالف است؟ طبعاً کسی که مورد قصاص قرار می‌گیرد و یا حدی بر او جاری می‌شود و ...، حتماً جرمی را مرتکب شده است و حقی را پایمال نموده است و در حقیقت، این عمل آفتی است که باعث فساد اجتماع و جامعه می‌شود و برای حفظ جامعه باید با این آفت‌ها (که در اسلام برای آن قصاص و یا حد در نظر گرفته) مبارزه کرد که در اینجا ممکن است، دو نوع مبارزه صورت پذیرد. یکی مبارزه سطحی؛ مثل جریمه کردن، زندانی نمودن و ... و دیگری مبارزه ریشه‌ای؛ مثل قصاص، حدود و ... که اسلام نوع دوم را انتخاب نموده است؛ زیرا از نظر اسلام همان‌طورکه عقلای عالم حکم می‌کنند، ارزش و احترام جامعه از ارزش افراد بیشتر و مهم‌تر است؛ نه اینکه این عمل ریشه در حس انتقام‌جویی داشته باشد؛ از این رو رحمت الهی ایجاب می‌کند که در وهله اول، جامعه را از سقوط انحطاط و انحراف حفظ نماید و با تشریع قوانین، موجب تقلیل جرایم شود. از این رو بر این باوریم که قصاص و حدود و امثال اینها، نه‌تنها با «ارحم الراحمین» بودن خداوند مخالف نیستند؛ بلکه مقتضای ارحم الراحمین بودن، تشریع قوانین این‌چنینی است. چه زیبا فرمود خداوند منان: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۷

دبیر ستاد راهبری ورزش حوزه‌های علمیه

سرايه ورزشی طلاب به ۱۰ سانتي‌متر هم نمی‌رسد



دبیر ستاد راهبری ورزش حوزه‌های علمیه برای بیان اینکه منابع داخلی حوزه علمیه محدود است، عنوان کرد: در حال برنامه‌ریزی هستیم که از سال ۱۴۰۲ بتوانیم، در برخی استان‌ها یک فضایی ولو مختصر را برای ورزش طلاب سامان دهی کنیم.

وی با بیان اینکه استعداد‌های نهفته خوبی در طلاب وجود دارد، گفت: خیلی از استعداد‌های ورزشی طلاب شکوفا شده است؛ از جمله اینکه در حال حاضر، این داور فوتبال در سطح لیگ برتر داریم. این

در حقیقت قصاص و دیه اسلامی دریچه‌ای است به سوی حیات و زندگی انسان‌ها که از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر این احکام وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند، جان مردم بی‌گناه به خطر می‌افتاد. و از سوی دیگر، مایه سلامتی و حیات مجرم است؛ چراکه او را از فکر ارتکاب جرم تا حد زیادی باز می‌دارد و کنترل می‌کند و از جانب دیگر نیز، به‌خاطر لزوم تساوی و برابری (در انتقام) جلوی جرم‌های پی در پی را می‌گیرد و به سنت‌های جاهلی که گاه یک جرم موجب چندین جرم و آن نیز به‌نوبه خود مایه جرم‌های بیشتری می‌شود، پایان می‌دهد و از این راه نیز مایه حیات جامعه است.

نظام پزشکی، کشاورزی، دامداری همه و همه روی این اصل عقلی (حذف موجود خطرناک و مزاحم؛ بنا شده؛ زیرا می‌بینیم برای حفظ و سلامت بدن، عضو فاسد را قطع می‌کنند و با به‌خاطر رشد گیاه، شاخه‌های مضر و مزاحم را می‌برند؛ به‌عنوان مثال کسانی که کشتن قاتل را فقدان فرد دیگری از افراد جامعه می‌دانند، تنها نگاه انفرادی دارند. اگر صلاح اجتماع را در نظر بگیرند و بدانند، اجرای قصاص چه نقشی در حفاظت و تربیت سایر افراد دارد، در گفتار خود تجدید نظر می‌کنند. از بین بردن این افراد خون‌ریز در اجتماع؛ مانند قطع کردن و از بین بردن عضو و شاخه مزاحم و مضر است که به‌حکم عقل باید آن را قطع کرد. ناگفته پیداست که تا کنون هیچ‌کس به قطع شاخه‌ها و اعضای فاسد و مضر اعتراض نکرده است.^۸

• **نتیجه**

۱. خداوند جامع صفات نیک است؛ پس همان‌طورکه «ارحم الراحمین» است، همچنین اشد المعاقبین نیز می‌باشد.

۲. کیفر افراد مجرم گرچه شاید با نگاه اول سنگدلی محسوب شود؛ اما با توجه به عمل مجرم از یک سو و با توجه به عمل بازدارندگی که این نوع مجازات‌ها در جامعه در پی دارند و اجتماع را تا حد زیادی از این نوع جرم‌ها بیمه می‌کنند، معلوم می‌شود که تشریح این نوع کیفرها از ضروریات جوامع بشری است.

در اینجا تذکر نکته‌ای لازم به نظر می‌رسد.

با توجه به اینکه بر اساس روایات هر کس که در دنیا به کیفر گناهش رسید، دوباره در آخرت کیفر نمی‌شود؛ به‌عبارت دیگر کسی که به‌خاطر گناهش در دنیا مجازات شد، دوباره در آخرت کیفر نمی‌بیند. این جلوه‌ای از رحمت الهی است؛^۹ از این رو می‌بینیم در صدر اسلام برخی برای پاک شدن و رهایی از عذاب الهی اخروی، خدمت امام علیه‌السلام می‌رسیدند که بعد از اقرار به گناه، تقاضای اجرای حدود الهی برای خود می‌کردند.^{۱۰}

منبع: اسلام‌کنیست

• **پی‌نوشت‌ها**

۱. یس، ۶۳؛
۲. هود ۲، ﴿وَلَا تُقْبِلُوهُ إِلَى الْإِلَهِ إِنَّنِ لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَنَشِيرٌ﴾؛
۳. طوسی، تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۸، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه‍.ش. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْتَبِعُ النَّفْسَ بِمُضْرِكِ وَأَنْتَ مُسْتَبِذٌ لِلضَّوْأِ بِمُزْكِ وَأَقْبَلْتُ أُنْكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ الْكُفَالِ وَالنَّقْمَةِ»؛
۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۷۳، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش؛
۵. یوسف، ۸۷؛
۶. امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۴۲۲ و ۲۶۳، ناشر نهضت زنان مسلمان، چاپ تهران، ۱۳۶۱ ش؛
۷. بقره، ۱۷۹؛ «و برای شماسدت در قصاص زندگی؛ ای خداوندان خردها! شاید شما بیریزید»؛
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۶ و ۶۰۷ (با اندکی تصرف)؛
۹. کلینی، کافی، ص ۴۴۵، ج ۶؛ «امیرالمؤمنین علیه‌السلام در تفسیر سخن خداوند عز و جل: «و هرچه از پیشامدها به شما برسد، به‌سبب چیزی است که دست‌های شما فراهم کرده‌اند و خداوند از بسیاری گناهان می‌گذرد.» (شوری/ ۲۴) فرمود: هیچ پیچ خوردن رگ نیست و نه برخورد به سنگی و نه لغزش گامی و نه خراش دادن چوبی، جز به‌خاطر گناهی و بی‌گمان آنچه را که خداوند از آن می‌گذرد، بیشتر است؛ پس هرکه را خداوند در دنیا به کیفر گناهش شتاب کرد، پس آن خدای عز و جل والا‌تر و کریم‌تر و بزرگوارتر از آن است که دوباره در آخرت او را کیفر کند.
۱۰. زنی نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد و به‌خاطر زنایی که کرده بود، از حضرت خواست که با اجرای حد بر او، او را پاک سازد و می‌گفت: من می‌ترسم که مرگم فرارسد و ناپاک از دنیا بروم. برای مطالعه تفصیل این حدیث به بحارالانوار، ج ۴۶ و ۴۵ و من لایحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۵، ص ۳۵۸ - ۳۵۶ رجوع نمایید.

اشاره به سند تحول دولت گفت: در بخشی

از این سند، قانون ورزش مورد تأکید قرار گرفته است و آنچه سیاست دولت در عرصه ورزش است و در سند تحول آمده است، در کارگروهی که در ستاد راهبری ورزش تشکیل شده است، مورد نقد قرار دادیم و پیشنهادات خود را به ریاست جمهوری دادیم.

وی همچنین به برنامه هفتم توسعه اشاره کرد و افزود: یکی از کارهای بزرگی که ستاد راهبری ورزش انجام داده، بسته ورزش برنامه هفتم توسعه است که تاکنون حدود ۱۵ حکم که قانون کردیم که به‌زودی تقدیم سازمان برنامه و بودجه می‌شود تا در مجلس دفاع شود. ماحصل آنچه حس کردیم و دغدغه

است، اینکه قانون و ظرفیت‌های ورزشی کشور، در دستور کار قرار می‌دهد؛ در عین حال که از مشکلات کلان ورزش حوزه هم غافل نیست و محتواهای غنی علمی و پژوهشی را آماده و در اختیار سران کشور و نیز مسئولان حوزه قرار می‌دهد. از جمله این محتواهای می‌توان به فقه ورزش و اخلاق ورزش اشاره کرد که در حال حاضر در این زمینه خلأ داریم و معدود محتواهایی هم هستند، نمی‌توانند گره از مشکلات ورزش کشور باز کنند. وی اظهار کرد: امسال ۱۶

عنوان پژوهشی در دستور کار ستاد راهبری ورزش حوزه علمیه است تا به حل مشکلاتی که چه در عرصه قانون‌گذاری و چه در عرصه اجرایی است، کمک کنیم. مدیر سلامت و امداد حوزه‌های علمیه با معضلات و مسائل کشورآآمده می‌کنند.